

مرابه خاطر بسیار

نویسنده: داگلاس فیشر - نانسی فری



مترجم: فریماه ایجاد-مشاور و بازی درمان گر

"معلمان بی نظیر، کسانی که بچه‌ها آن‌ها را به یاد می‌آورند، کسانی هستند که دانش‌آموزان را به یادگیری دعوت می‌کنند"

مقاله‌ای که در این شماره می‌خوانیم، در سپتامبر ۲۰۱۹ در مجله رهبری آموزشی^۱ چاپ شده است. داگلاس فیشر^۲ و نانسی فری^۳ از

اساتید دانشگاه سان‌دیه‌گو در رشته رهبری آموزشی بوده و از راهبران معلمان در کالج علوم سلامت^۴ و از نویسندگان مجله رهبری آموزشی (ASCD) هستند. در این مقاله عبارت "دعوت کننده" بسیار به چشم می‌خورد که منظور نویسندگان از آن، معلمانی هستند که کلاسی جذاب و وسوسه‌کننده برای دانش‌آموزان فراهم می‌کنند تا آنان احساس تعلق و ارزشمندی در مقابل یادگیری داشته باشند. طبق پژوهش‌های انجام شده در مورد یادگیری درونی و بلند مدت که منجر به کاربرد

- ۱ Educational Leadership
- ۲ Douglas Fisher
- ۳ Nancy Frey
- ۴ Health Science college



مطالب می‌شود، این دو مؤلفه، احساس تعلق و احساس ارزشمندی، از نکات بسیار مؤثر و حایز اهمیت در یادگیری دانش‌آموزان بوده و در مقابل از فرسودگی شغلی معلمان نیز جلوگیری می‌کند.

بعضی مواقع در شغل شما، یک دانش‌آموز ممکن است ناگهان از شما بپرسد که مرا به یاد می‌آوری؟ سؤالی قدیمی که تمام معلمان در طول کارشان با آن روبرو شده‌اند. وقتی این سؤال پرسیده می‌شود، شما دسته‌دسته دانش‌آموزانی را که زمانی به آن‌ها تدریس کرده‌اید و اینکه چگونه این دانش‌آموز زندگی شما را تحت تأثیر قرار داده است، به خاطر می‌آورید.

همان‌طور که معلمان، دانش‌آموزان را به خاطر می‌آورند، دانش‌آموزان نیز معلمان را به خاطر می‌آورند. مخصوصاً آن‌هایی که رفتارهایی نظیر مراقبت، دلسوزی، توقعات بالا و حمایت را از خود نشان داده‌اند. تحقیقی انجام شد و از دانش‌آموزان خواسته شد که معلم ایده آل خود را معرفی کنند. آنچه از این تحقیق حاصل شد، شامل موارد زیر بود:

۱. معلمان ایده‌آل از متونی استفاده می‌کنند که به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا خودشان را بازنگری کرده یا متونی که به آن‌ها کمک می‌کند تا نیم‌نگاهی به تمدن‌های دیگر بیندازند.

۲. آن‌ها اجازه می‌دهند تا دانش‌آموزان، خودشان متنی را که می‌خواهند بخوانند، انتخاب کنند.

۳. برای دانش‌آموزان بلند می‌خوانند. (بلندخوانی می‌کنند)

۴. در مورد اتفاقات خوبی که در کلاس می‌افتد، برای والدین بچه‌ها توضیح می‌دهند.

۵. از امنیت دانش‌آموزان و اینکه کسی قلدری نمی‌کند، مطمئن هستند.

۶. ارتباط پرورش دهنده و مؤثر با دانش‌آموزان برقرار می‌کنند.

آیا شما دعوت‌کننده هستید؟

کلمات این دانش‌آموزان، مفهومی را که توسط ویلیام پارکی^۵ در ۱۹۷۸ معرفی شده است، به یاد

ما می‌آورد: "آموزش دعوت‌کننده (وسوسه انگیز)" . دعوت کردن (وسوسه کردن) دانش‌آموزان برای یاد گرفتن، یکی از قدرت‌مندترین استراتژی‌های آموزشی است.

آموزگاران "دعوت‌کننده" پنج ارزش را از خود نشان می‌دهند: مراقبت، اعتماد، احترام، خوش‌بینی و قصدمندی^۱. همان‌طور که سال تحصیلی (یا هر ترمی) را شروع می‌کنید، از خودتان این سؤال‌ها را که مربوط به این ارزش‌ها است، پرسید:

۱. آیا دانش‌آموزان می‌دانند من مراقب آن‌ها هستم و به آن‌ها اهمیت می‌دهم؟ چگونه باید به آن‌ها نشان دهم؟ آیا من همه دانش‌آموزان را مورد توجه مثبت قرار می‌دهم؟ آیا من به گرمی با آن‌ها برخورد می‌کنم؟
۲. آیا برخورد من با دانش‌آموزانم بر اساس اعتماد است؟ آیا من به دانش‌آموزانم اجازه می‌دهم تا انتخاب‌های معنادار و متناسب داشته باشند و در کلاس رایحه دهند؟
۳. آیا دانش‌آموزانم می‌توانند روی من حساب کنند که به قول‌هایم پایبند هستم؟
۴. آیا من به همه دانش‌آموزانم، بدون توجه به شرایط زندگی و رفتارها و عقاید آن‌ها، احترام می‌گذارم؟ آیا من محیطی را فراهم کرده‌ام که ارزش احترام بین بزرگسالان و دانش‌آموزان و بین دانش‌آموزان و همسالان‌شان را نشان دهد؟
۵. آیا من نسبت به دانش‌آموزانم خوش‌بین هستم؟ آیا من اعتقاد دارم که آن‌ها می‌توانند یاد بگیرند و من قدرت آموزش دادن به آن‌ها را دارم؟ آیا آن‌ها می‌دانند که من به آن‌ها ایمان دارم و برای آینده آن‌ها بسیار امیدوارم.
۶. آیا من در تعاملات با دانش‌آموزان و روند آموزش، می‌دانم چه کار دارم انجام می‌دهم و آنان نیز متوجه مقصود من هستند؟ آیا من برنامه‌ریزی آموزشی معناداری برای آن‌ها دارم تا فرصتی برای رشد در اختیارشان بگذارم؟ آیا من در مورد توقعاتم در ارتباطات آموزشی، واضح و روشن هستم؟

پارکی چهار مرحله برای "دعوت‌کننده بودن"، بر اساس میزانی که آن‌ها این پنج ارزش را در خود نشان می‌دهند، تعریف کرده است. همان‌طور که این مراحل را می‌خوانید با خود فکر کنید که آیا آموزش شما هر یک از این ارزش‌ها را دارد و شما باید چه کاری کنید تا بیشتر دعوت‌کننده باشید؟

مرحله اول: از عمد دعوت کننده نیستند.

این سومی ترین مرحله آموزش است. معلمانی که از عمد دعوت کننده نیستند، باعث دلسردی و بدرفتاری دانش آموزان می شوند. آن‌ها "مفهوم خود" را که شامل اعتبار و هویت آن‌هاست، از بین می برند. این دسته از معلمان قضاوت گر و تحقیرکننده هستند، کمترین اهمیت و احترامی را نشان نمی دهند، اهمیتی به زندگی و علایق دانش آموزان نمی دهند و معمولاً خود را از محیط مدرسه جدا می کنند.

بعد از مدتی دانش آموزان در کلاس‌هایی که دعوت کننده نیستند، به این عقیده می رسند که هر کاری کنند، چیزی را نمی توانند تغییر دهند. آن‌ها بی تحرک و پرخاش گر می شوند. همه ما شاهد این مدل از کلاس‌ها بوده ایم. در نتیجه اینجا روی این مدل تمرکز نمی کنیم. فقط کافی است بگوییم که نمی خواهیم این گونه معلمی باشید.



مرحله دوم: معلمانی که سهواً دعوت کننده نیستند.

در حالی که کمتر خصمانه است ولی این معلمان به نظر بی توجه، بی فکر یا خودبزرگ بین هستند. گاهی اوقات آن‌ها نژادپرست یا جنسیت گرا هستند. معلمانی که سهواً دعوت کننده نیستند، خودشان را از دانش آموزان جدا می دانند و توقعات کمی دارند. آن‌ها احساس کارآمدی ندارند و برای این ناکارآمدی، دانش آموزان را سرزنش می کنند. آن‌ها نه یادگیری دانش آموزان را می بینند، نه دعوای آن‌ها را و هیچ بازخوردی برای بهبود یادگیری به آن‌ها نمی دهند.

معمولاً این معلمان قصد آسیب زدن ندارند ولی با این وجود ضرر می زنند. کمبود آن‌ها چیزی نیست جز این که توانایی تفکر و تأمل در مورد نحوه آموزش دادن خودشان و سهم‌شان در شکل گیری محیط منفی را ندارند. به جای آن، برون سازی می کنند و دانش آموزان را به خاطر موقعیت و مشکلات آموزشی آن‌ها، سرزنش می کنند. آن‌ها تمایل دارند تا با گفتن چنین جملاتی که " بچه های کلاس من... " که در ادامه همیشه با نظرات منفی همراه است، تلاش های مربوط به تقویت آموزش و یادگیری را نادیده بگیرند.

مرحله سوم: سهواً دعوت کننده هستند.

معلمان در این مرحله نسبت به معلمان مرحله قبل بیشتر درگیر الگوهای ارتباطی با دانش آموزان هستند اما آن‌ها مطمئن نیستند که چرا این الگوها کارآمد هستند و اینکه آیا تحت تأثیر فشار گروه های همسال برای تغییر هستند یا نه. این معلمان مشتاق هستند ولی در مورد تمرین های شان تأملی ندارند. آن‌ها پارانرژی هستند ولی زمان رویارویی با مشکلات بسیار سفت و سخت هستند. مانند معلمانی که سهواً دعوت کننده نیستند، این‌ها نیز از کمبود خود آگاهی رنج می برند.

معمولاً دانش آموزان این گونه معلمان را دوست دارند اما کلاس آن‌ها آسان و بی بند و بار است. این معلمان در مواقعی که یادگیری دانش آموزان در مقابل روش های قدیمی مقاومت می کند، تمایل کمتری به پاسخ گویی دارند. همچنین این معلمان بسیار ناامید می شوند.



مرحله چهارم: معلمانی که عمداً دعوت‌کننده هستند.

معلمانی که از عمد دعوت‌کننده هستند، سازنده و قابل اعتماد می‌شوند. آن‌ها می‌دانند که چه می‌کنند و چرا این کار را انجام می‌دهند. آن‌ها در تعاملات و توقعات‌شان، هم محکم و هم گرم هستند. این معلمان هر پنج ارزش را در سطح بالایی نشان می‌دهند: مراقبت، اعتماد، احترام، خوش‌بینی و قصدمندی. آن‌ها به یادگیری دانش‌آموزان و دعوای آن‌ها توجه می‌کنند و به‌طور منظم به آن‌ها پاسخ می‌دهند. آن‌ها در جستجوی ساختن، نگهداری و بازسازی ارتباطات با یادگیرندگان هستند.

معلمانی که عمداً دعوت‌کننده هستند، "آهنربای بچه‌ها هستند". چرا که یادگیرندگان در ارتباط با این افراد، احساس ارزشمندی می‌کنند. آن‌ها مهربان هستند. همچنین دانش‌آموزان را در فرآیند یادگیری معنادار درگیر کرده و به آن‌ها کمک می‌کنند تا دستاوردهایی داشته باشند که خودشان فکر می‌کنند نمی‌توانند. آن‌ها به رشد دانش‌آموزان متعهد هستند و می‌دانند که رفتار آن‌ها نقش بسیار مهمی در یادگیری دانش‌آموزان دارد. با همه این‌ها، آن‌ها به‌طور دایمی در مورد تمرینات خود تأمل می‌کنند، با یادگیرندگان جلسات آشنایی دارند و تأثیر خودشان را می‌دانند.

هر روز دوست دارید کجا باشید؟

دانش‌آموزی که به سمت شما می‌آید و می‌پرسد که آیا او را به یاد می‌آورید، شما را به عنوان یک معلم دعوت‌کننده می‌شناسد. ممکن است آن‌ها معلمانی کمتر دعوت‌کننده داشته باشند ولی هرگز به دیدار آن‌ها نخواهند رفت. صادقانه با هر تعاملی که با دانش‌آموزان دارید، شما می‌خواهید هر روز در همین مرحله باشید. این همان چیزی است که دانش‌آموزان احتیاج دارند و همان چیزی است که شما را از فرسودگی شغلی نجات می‌دهد. انتخاب کنید تا برای دانش‌آموزان‌تان دعوت‌کننده باشید. این‌گونه برای هر فرد، تغییری به وجود خواهید آورد.